

تحریم‌های بین‌المللی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمود یزدان‌فام

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

تاریخ ارائه: ۱۳۸۵/۱۱/۷

تاریخ تأیید: ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

چکیده:

با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، جمهوری اسلامی ایران با گزینه اعمال مجازات‌های بین‌المللی روبرو است. این مجازات‌ها ممکن است به صورت تحریم‌های اقتصادی، قطع روابط و مناسبات دیپلماتیک و اقدام نظامی به شکل محدود و موردی یا گسترده و فراگیر بروز یابند. در صورت بروز هر کدام از این شقوق، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تحت تأثیر آنها قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران نیز در موضوع پرونده هسته‌ای منافع، اهداف و گزینه‌های گوناگونی دارد و با پی‌گیری آنها ممکن است با مسایل، هزینه‌ها و دستاوردهای متفاوتی روبرو شود. ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و سیاست و خط‌مشی‌های آن در پی‌گیری موضوع هسته‌ای از یک سو و منافع، سیاست‌ها و اراده کشورهای مؤثر در موضوع پرونده هسته‌ای ایران از سوی دیگر، می‌توانند در روند تحولات مؤثر باشند. منطق و نظریه‌های مختلف مجازات‌های بین‌المللی، توانمندی‌ها و منافع هر کدام از کشورهای مؤثر در تحمیل مجازات‌ها و تحمل پیامدهای آن، محورهای اساسی این مقاله را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: مجازات‌های بین‌المللی، تحریم‌های اقتصادی، امنیت ملی ایران، اقتصاد وابسته، بحران‌های سیاسی.

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال نهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۸۵ • شماره مسلسل ۳۴

مقدمه

در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران به دلیل پافشاری بر تداوم غنی‌سازی اورانیوم و ارجاع پرونده هسته‌ای آن به شورای امنیت سازمان ملل، با گزینه اعمال مجازات‌های بین‌المللی روبرو است. قدرت‌های بزرگ مثل ایالات متحده، انگلستان، آلمان و فرانسه در پی اعمال تحریم‌های اقتصادی و مجازات‌های دیپلماتیک علیه جمهوری اسلامی ایران هستند و از سوی دیگر دولت‌های روسیه و چین مخالف اعمال مجازات‌ها و تحریم‌ها بوده و خواستار تداوم روند دیپلماتیک می‌باشند. در عین حال، به نظر می‌رسد که به رغم وجود اختلافات متعدد میان قدرت‌های بزرگ، در صورت پافشاری جمهوری اسلامی ایران بر غنی‌سازی، آنها دیر یا زود در خصوص اعمال بعضی از مجازات‌های بین‌المللی به توافق خواهند رسید.

اکنون پرسش اصلی این است که این مجازات‌ها چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، پرسش‌های فرعی متعددی نیز مطرح می‌شوند. از جمله اینکه مجازات‌های بین‌المللی کدامند و چه ابعادی دارند؟ مراحل و انواع آنها کدامند و چگونه به اجرا درمی‌آیند؟ در مرحله دوم، پرسش از چگونگی تأثیرگذاری این مجازات‌ها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود که متأثر از وضعیت و ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، میزان توانایی و آسیب‌پذیری‌های آن و در نهایت، تعامل این دو متغیر در طول زمان و روند تحولات آتی می‌باشد.

برای پاسخ به این پرسش‌ها، مقاله ضمن تشریح ویژگی‌های گوناگون مجازات‌های بین‌المللی احتمالی، سازوکار ارتباطی این مجازات‌ها با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در قالب مفاهیم و نظریه‌های دولت رانتیر، معمای امنیت، بحران‌های سیاسی و اقدام نظامی خارجی بررسی خواهد کرد. قبل از ورود به بحث مصداقی مجازات‌های بین‌المللی، نظریه‌های موجود در این زمینه و منطق مجازات‌ها با توجه به هزینه‌ها و دستاوردهای هر یک از طرفین به اختصار تشریح می‌شوند.

الف. مجازات‌های بین‌المللی

کلمه «مجازات» به عنوان معادل کلمه انگلیسی Sanction به کار می‌رود که با کلمه «تحریم اقتصادی» یا embargo متفاوت است. مجازات حوزه وسیع‌تر از «تحریم اقتصادی» را شامل می‌شود که معمولاً به صورت مجازات‌های بین‌المللی کاربرد دارد. مجازات‌های بین‌المللی، ابزاری برای نفوذ در رفتار دولت یا گروه هدف است که رفتارش مورد قبول جامعه بین‌المللی نیست. در طبقه‌بندی کنش دولت‌ها، مجازات‌ها به طور سنتی در منطقه خاکستری، بین دیپلماسی و جنگ، قرار می‌گیرند. زمانی که همه گزینه‌های دیپلماتیک دیگر در تعدیل رفتار دولت یا گروه هدف بی‌نتیجه ماند، مجازات‌های بین‌المللی به عنوان آخرین گام قبل از اقدام نظامی مطرح می‌شوند. (۱) در عین حال، مجازات‌ها ابزاری برای ارسال پیام سیاسی به دولت هدف می‌باشند. به طور کلی، مجازات‌های بین‌المللی سه کارکرد دیپلماتیک زیر را دارند و به صورت پیام به مخاطب ارسال می‌شوند:

۱. اعلان نگرانی جامعه بین‌المللی نسبت به خطر افتادن وضع موجود و تداوم رفتار آن؛
۲. تأکید بر اینکه رفتار دولت هدف برای جامعه بین‌المللی غیرقابل قبول است؛
۳. هشدار نسبت به اینکه عدم توجه به نگرانی بین‌المللی، اقدام محکم‌تر، مثل توسل به زور را در پی خواهد داشت. (۲)

مجازات‌های بین‌المللی به سه دسته بزرگ تحریم‌های اقتصادی، مجازات‌های دیپلماتیک و سیاسی، و مجازات‌های نظامی تقسیم می‌شوند. مجازات‌های دیپلماتیک و سیاسی معمولاً در قالب کاهش سطح مناسبات دیپلماتیک، کاهش یا جلوگیری از مسافرت مقامات سیاسی و دیپلماتیک، ایجاد محدودیت‌های امنیتی، جغرافیایی و ارتباطی برای سفارتخانه‌ها و کنسول‌گری‌های کشور هدف و یا ممانعت از فعالیت‌های عادی آنها، بروز می‌یابد. (۳) تحریم‌های اقتصادی، رایج‌ترین مجازات‌های بین‌المللی هستند که معمولاً در قالب قطع روابط تجاری، ایجاد محدودیت بر عوامل و فعالین اقتصادی، ممنوع کردن سرمایه‌گذاری و روابط تجاری، جلوگیری از دسترسی به برخی کالاها و خدمات، افزایش تعرفه‌های گمرکی، جلوگیری از همکاری‌های مالی و پولی، جلوگیری از ادامه هرگونه کمک اقتصادی و مالی، جلوگیری از صدور فن‌آوری یا تحصیل و اشتغال متخصصین و کارشناسان و مانند آن مطرح

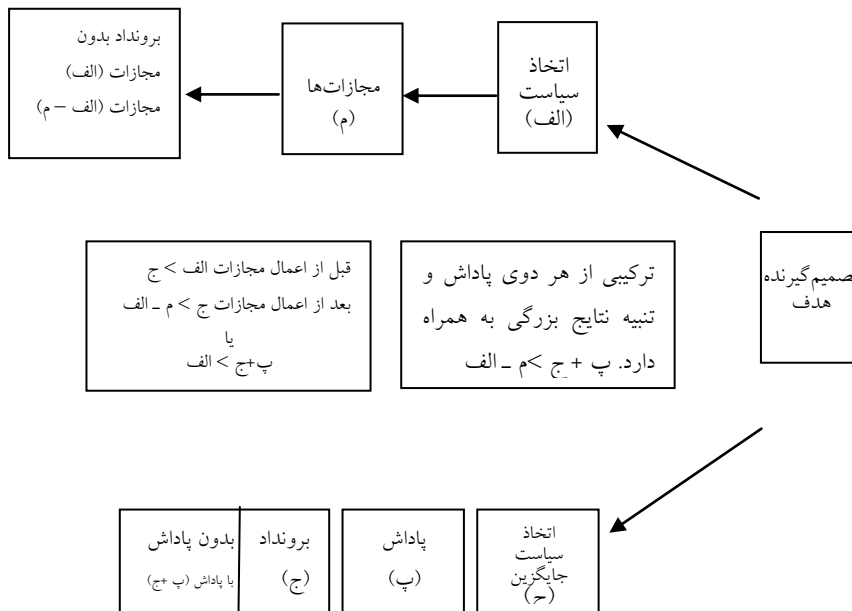
می‌شوند. (۴) مجازات‌های نظامی به ممنوعیت ارسال هرگونه سلاح و تجهیزات نظامی از یک سو و اعمال تحریم‌های وضع‌شده با بهره‌گیری از نیروی نظامی و محاصره دریایی و زمینی، از سوی دیگر گفته می‌شود. وقتی مجازات‌های بین‌المللی به سوی مجازات‌های نظامی سوق می‌یابد، وضعیت به سوی جنگی شدن پیش می‌رود و مجازات‌ها ابعاد خشونت‌آمیزتری به خود می‌گیرند. حمله محدود یا گسترده به یک کشور در خارج از چارچوب شورای امنیت و مقررات منشور ملل متحد، نه اعمال مجازات، بلکه عملی تجاوزکارانه محسوب می‌شود که با سرشت مجازات‌های بین‌المللی و حقوق بین‌المللی مغایر است. در عین حال، اقدامات نظامی دوجانبه که معمولاً در قالب دفاع مشروع توجیه می‌شوند، حتی با وجود اعمال مجازات‌های بین‌المللی نمی‌توانند مشروع و قانونی باشند. مجازات‌های نظامی بین‌المللی با تصویب شورای امنیت سازمان ملل مشروعیت می‌یابند که معمولاً اقدامی چندجانبه یا دست‌کم زیر نظر شورای امنیت می‌باشد. (۵)

عامل و منشاء مجازات‌های بین‌المللی می‌تواند مصوبه شورای امنیت، دولت‌های قدرتمند یا نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای باشند. تصویب مجازات‌های بین‌المللی از سوی شورای امنیت سازمان ملل در قالب فصل ۷ منشور صورت می‌گیرد. اگر اعضای شورای امنیت از طریق سازوکاری که در منشور آمده، متوجه بشوند که صلح و امنیت بین‌المللی از سوی کشوری نقض شده و یا به خطر افتاده است، می‌توانند بر اساس ماده ۳۹ منشور اقدام و طبق ماده ۴۱، مجازات‌هایی را علیه کشور خاطی وضع و اعمال نمایند. اعمال این تحریم‌ها و مجازات‌ها از سوی همه کشورهای عضو جامعه جهانی الزامی است. (۶) اما انواع دیگر مجازات‌ها یا تحریم‌های بین‌المللی برای همه کشورها الزام‌آور نیست. این تحریم‌ها معمولاً از سوی قدرت‌های بزرگ یا گروهی از کشورها علیه کشور یا کشورهای دیگر اعمال می‌شود. تحریم نفتی اعراب علیه حامیان اسرائیل در دهه ۱۹۷۰، تحریم آمریکا علیه کوبا در ۵۰ سال گذشته، همچنین تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای متعدد از جمله ایران و لیبی در قالب طرح داماتو و مانند آن، تحریم‌هایی هستند که خارج از چارچوب شورای امنیت از سوی یک یا چند کشور به اجرا گذاشته می‌شوند. (۷)

۱. منطق مجازات‌های بین‌المللی

تلاش برای پاسخ به این پرسش که اعمال مجازات‌های بین‌المللی، چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد، نیازمند فهم منطق و سازوکارهایی است که از آن طریق مجازات‌ها بر روی توانایی‌ها، فرصت‌ها، ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های کشور در حفظ یا ناتوانی آن در تأمین امنیت ملی مؤثر واقع می‌شوند. منطق مجازات‌ها در قالب الگوهای تصمیم‌گیری قابل بررسی است. بر اساس چنین الگویی، تصمیم‌گیرنده ناگزیر به انتخاب میان گزینه‌های گوناگون در سیاست خارجی است. فرض اصلی آن این است که تصمیم‌گیرندگان، افرادی خردمند هستند که هزینه و فایده، هدف‌ها و ابزارها را ارزیابی و مفیدترین آن را انتخاب می‌کنند. همانگونه که در نمودار شماره ۱ آمده است، در مجازات‌های بین‌المللی، تصمیم‌گیرنده کشور هدف، میان دست‌کم دو گزینه قرار دارد تا با قبول خواسته‌های بین‌المللی رفتار خود را تصحیح و پاداش دریافت نماید یا با رد درخواست آنها احتمالاً تحریم شود. تصمیم‌گیرنده در رد درخواست بین‌المللی، دستاوردهای اقدام خود را ارزیابی و با توجه به پیامدهای تصمیم بین‌المللی برای اعمال تحریم، سیاست خود را اتخاذ می‌کند. (۸)

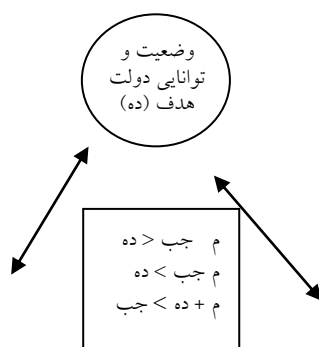
نمودار ۱ - منطق اجبار مجازات‌ها

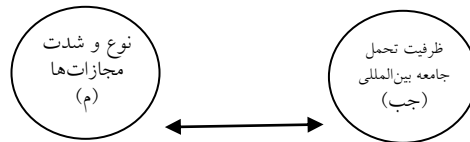


Source: David Lektzian. Making sanctions smarter: are humanitarian costs an essential element in success of sanctions? 2003 available at: www.redcross. No.

به طور کلی، هدف نهایی مجازات‌ها، اعمال زور علیه کشور هدف است تا رفتار خود را طبق خواسته جامعه بین‌المللی تعدیل نماید. میزان کارآمدی این مجازات‌ها به درک و ارزیابی تصمیم‌گیرنده از میزان توانایی خود، خواسته‌ها دستاوردها، هزینه‌ها و پاداش‌های انتخاب هر کدام از گزینه‌ها و میزان مؤثر بودن مجازات‌ها در صورت رد خواسته جامعه بین‌المللی بستگی دارد. این ارزیابی و محاسبه می‌تواند واقعی یا اشتباه باشد. اشتباه در میزان تأثیرگذاری و جدیت جامعه جهانی در اعمال مجازات‌های بین‌المللی، می‌تواند خسارات‌های جبران‌ناپذیر برای دولت هدف در پی داشته باشد. ارزیابی مجازات‌ها با توجه به سه حوزه یا وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دولت هدف، میزان توانایی‌ها و آسیب‌پذیری آن، نوع مجازات‌ها، شدت و گستره آنها، میزان هماهنگی و جدیت جامعه جهانی و توانایی آنها در تحمل هزینه‌ها و پیامدهای اعمال چنین مجازات‌هایی صورت می‌گیرد. پائین بودن تحمل جامعه بین‌المللی در برابر پیامدهای اعمال مجازات در قیاس با میزان توانایی و تحمل کشور هدف در قبول پیامدهای اعمال مجازات، می‌تواند به کاهش شدت و گستره مجازات‌ها یا عدم اعمال آنها منجر شود. در عین حال، اگر آستانه تحمل جامعه بین‌المللی بالا و یا پیامدهای ناشی از اعمال مجازات‌ها ناچیز باشد، احتمال توافق برای اعمال مجازات‌ها افزایش می‌یابد و به احتمال زیاد منجر به تعدیل رفتار دولت هدف می‌شود.

نمودار ۲ - منطق وضع مجازات‌های بین‌المللی



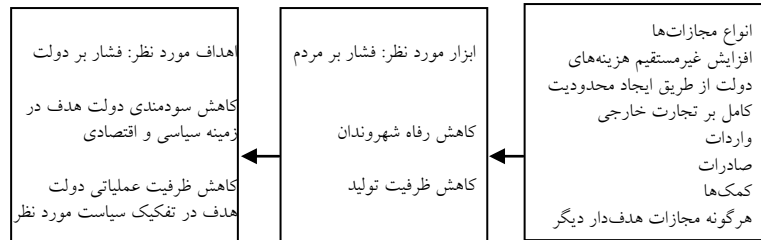


۲. الگوها و نظریه‌های مجازات بین‌المللی

در خصوص مجازات‌های بین‌المللی، دو نظریه وجود دارد. نظریه نخست را نظریه خام یا سنتی و نظریه دوم را نظریه مجازات‌های هوشمند^۱ می‌گویند. یکی از فرضیه‌های اصلی نظریه خام مجازات‌های بین‌المللی، این است که درد و رنج ناشی از اعمال مجازات‌ها بر شهروندان دولت هدف، موجب می‌شود که آنها حکومت خود را برای تغییر رفتار منجر به مجازات‌های بین‌المللی، تحت فشار قرار دهند تا خواسته جامعه جهانی را بپذیرد. (۹) در چنین دیدگاهی که به شدت مورد انتقاد است، شهروندان بی‌گناه قربانی مجازات‌های بین‌المللی و رفتار دولت خودشان می‌شوند. در این خصوص، موارد متعدد تاریخی نشان داده‌اند که آنها در انتخاب، تداوم و برکناری چنین حکومت‌هایی نقش قابل ملاحظه‌ای نداشته‌اند. این نوع مجازات‌ها در دهه ۱۹۹۰ پیامدهای انسانی نگران‌کننده‌ای داشته‌اند. (۱۰) بر اساس این نظریه، هر قدر اعمال مجازات‌ها شدید و دقیق باشد، بهتر می‌تواند به اهداف مورد نظر خود دست یابد. بین سیاست و اقتصاد فاصله‌ای وجود ندارد و تأثیر آنها بر یکدیگر بسیار شدید می‌باشد. رضایت مردم از حکومت شرط دوام آن می‌باشد. سقوط اقتصادی دولت به فروپاشی سیاست آن نیز منجر می‌شود و ممکن است دولت هدف برای جلوگیری از سقوط، رفتارش را تغییر می‌دهد. بنابراین، در نظریه سنتی مجازات‌ها، سازوکار انتقال تأثیر مجازات‌ها بر دولت هدف، شهروندان آن می‌باشد. در این نظریه، دو مرحله برای اعمال مجازات‌ها وجود دارد. در مرحله نخست

1 . Smart Sanctions Theory

اعمال مجازات‌ها موجب افزایش محدودیت‌ها بر فعالیت‌های اقتصادی و تجارت جامعه شده و ظرفیت اقتصادی آن را تقلیل می‌دهد. در مرحله دوم، هزینه تحمیل شده بر شهروندان از طریق آنها به سوی رهبران دولت هدایت شده و آنها را تحت فشار قرار می‌دهد. (۱۱)



نمودار ۳ - نظریه سنتی مجازات‌ها (۳)

نظریه سنتی یا خام مجازات‌ها، با دو مشکل عملی و اخلاقی روبرو است که هر دوی آنها بر توانایی آن برای کسب موفقیت در رسیدن به هدف تأثیر منفی می‌گذارد. مشکل اخلاقی الگوی سنتی اعمال مجازات‌ها در دهه ۱۹۹۰، پس از آشکار شدن پیامدهای ناخواسته علیه انسان‌های بی‌گناه به ویژه افراد خردسال در عراق، هائیتی و تا حدودی در یوگسلاوی آشکار شد و به شدت مورد اعتراض مجامع بشردوستانه قرار گرفت. آنها با اشاره به درد و رنج و مرگ و میرهای فراوان ناشی از اعمال مجازات‌های بین‌المللی، عادلانه‌بودن این نوع اقدامات را زیر سؤال بردند و تأکید کردند که چنین مجازات‌هایی، اصول متعدد حقوقی از جمله اصل تمایزگذاری را نقض می‌کند. مردم عادی نباید قربانی تضعیف رهبران دولت شوند. (۱۳) در شیوه سنتی اعمال مجازات‌ها، تضعیف یا مجازات دولت از طریق تضعیف اقتصادی جامعه صورت می‌گیرد و مردم بخصوص اقشار ضعیف و افراد خردسال جامعه، مستقیماً در معرض این مجازات‌ها قرار گرفته و بیشترین آسیب‌ها و مشکلات را متحمل می‌شوند که بر اساس هیچ‌کدام از اصول اخلاقی و در قالب هیچ مکتب حقوقی، نمی‌تواند عادلانه تلقی شود.

این نظریه به لحاظ عملی نیز با مشکلات متعددی روبرو است که می‌توان آنها را به چهار صورت مطرح کرد. نخست اینکه اعمال مجازات‌های بین‌المللی موجب ایجاد بازار سیاه در داخل کشور هدف می‌شود. همانگونه که نمونه عراق نشان می‌دهد، در چنین جوامعی با توجه به سیطره دولت بر اقتصاد، آنها در هدایت بازار سیاه چنان عمل می‌کنند که وضعیت به وجود

آمده عملاً علیه گروه‌های مخالف دولت باشد. رژیم و طرفداران آن حوزه اقتصاد و امنیت را در اختیار دارند. آنها با استفاده از توان بالای دولتی، عملاً کنترل بازار سیاه را در اختیار می‌گیرند و با کسب درآمدهای بالا در بازار سیاه، آن را به فرصتی برای خود تبدیل می‌نمایند. (۱۴) مشکل دوم، بهره‌گیری دولت‌های هدف از احساسات ملی‌گرایانه و پنهان‌شدن در پشت پرچم ملی است. آنها به دلیل در اختیار داشتن رسانه‌های گروهی، اعمال تحریم‌ها و مجازات‌ها را به دشمنان خارجی ملت نسبت داده و مخالفان داخلی خود را به همکاری با آنها متهم ساخته و در سایه چنین وضعیتی، محدودیت‌های بیشتری را بر آنها فراهم می‌آورند. (۱۵) پدیده‌ای که جان گالتونگ^۱ از آن با نام «صف‌آرایی در اطراف پرچم»^۲ یاد می‌کند. در وضعیت اعمال مجازات‌های بین‌المللی، معمولاً گروه‌های مخالف دولت هدف، بیش از دولت و رهبران آن تضعیف می‌شوند. این موضوع که از آن به عنوان مشکل سوم یاد می‌شود، با توجه به ساختار اقتصادی کشورها متفاوت است. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های جامعه‌شناسی سیاسی، طبقه متوسط، عاملان و فعالان اصلی حرکت‌های مردم‌سالارانه در کشورهای جهان هستند. اعمال مجازات‌های بین‌المللی، معمولاً بیشترین آسیب را به همین طبقه می‌زند و عملاً نیروهای مخالف رژیم‌های استبدادی را تضعیف می‌نماید. مشکل چهارم به خطر افتادن روابط و فرصت‌های اقتصادی کشورهای اعمال‌کننده مجازات‌ها علیه دولت هدف است که معمولاً در مجازات‌های بین‌المللی به شدت کم‌رنگ شده و برای کشورهای فاقد روابط اقتصادی کاملاً بی‌تأثیر است. در نهایت، بی‌ثباتی در کشور هدف به عنوان آخرین مشکل می‌تواند پیامدهای سیاسی و امنیتی قابل توجهی برای منطقه و جهان داشته باشد. انزوای بیشتر دولت هدف می‌تواند آن را به سوی انجام اقدامات غیرقابل پیش‌بینی سوق دهد. (۱۶)

در مجموع، مشکلات اخلاقی و عملی الگوی سنتی مجازات‌های بین‌المللی، موجب شد که کشورها به سوی ارائه الگوی جدیدی گرایش پیدا کنند که از آن با عنوان الگو یا نظریه مجازات‌های هوشمند یاد می‌شود.

نظریه مجازات‌های هوشمند، در پی به حداقل رساندن پیامدهای انسانی مجازات‌های اقتصادی، افزایش فشار بر دولت هدف و حل و فصل اختلافات بین‌المللی به شیوه‌های

1 . Johan Galtung

2 . Rally round the flag effect

مسالمت‌آمیز است. این نظریه، برخلاف سلف خود اعمال فشار بر رژیم‌ها را جایگزین فشار بر مردم کرده است، تا هزینه‌های انسانی مجازات‌ها را کاهش داده و حمایت بیشتر دولت‌های جهان را جلب نماید. این نظریه از سوی سازمان ملل مورد حمایت بوده و تاکنون چندین دور کنفرانس بین‌المللی برای بهبود شیوه‌ها و روش‌های اعمال مجازات‌های هوشمندانه در سوئیس، استکهلم و آلمان برگزار شده است. این کنفرانس‌ها بر اعمال تحریم‌های مالی، تسلیحاتی و مسافرتی از یک سو و ضرورت اصلاح سازوکارهای اعمال تحریم و مشارکت گسترده همه کشورهای جهان در نظارت، گزارش و اعمال آن از سوی دیگر، تأکید داشتند. (۱۷)

<p>ارزیابی عینی نتایج حاصله: - در تغییر یا افزایش سودمندی برای کشور هدف تاثیری ندارد (شکست در رسیدن به اهداف) - کاهش سودمندی برای کشور هدف (دستاوردهای موفقیت‌آمیز عینی)</p>	<p>نتایج مودر نظر - کاهش سودمندی برای کشور هدف در هر دو حوزه سیاسی و اقتصادی؛ - کاهش ظرفیت عملیاتی کشور هدف برای تعقیب هدف شخصی</p>	<p>انواع مجازات‌های هوشمند (با تحمیل هزینه مستقیم) ۱. کالاها و محصولات خاصی که درآمدهای قابل توجهی برای دولت هدف دارد، مثل: تسلیحات نفت الماس الوار ۲. بلوکه کردن دارایی‌ها ۳. اعمال محدودیت بر روابط دیپلماتیک / سازمانی ۴. ممنوعیت مسافرت‌های شخصی ۵. قطع پیوندهای هوایی ۶. بایکوت فرهنگی ورزشی ۷. محدودیت‌های مالی</p>
<p>نمودار ۴ - نظریه مجازات‌های هوشمند (۱۸)</p>		

به رغم ادعای طرفداران نظریه مجازات‌های هوشمند، این نوع مجازات‌ها نیز نمی‌توانند بدون پیامدهای انسانی علیه غیر نظامیان باشند. منتقدین این نظریه می‌گویند که

هوشمندانه بودن مجازات‌ها به این معنی نیست که مردم از پیامدهای آنها در امان هستند. دولت و رهبران حکومت‌ها را نمی‌توان از مردم آن جوامع جدا کرد و صرفاً رهبران آنها را هدف تحریم‌های اقتصادی و مجازات‌های بین‌المللی قرار داد. مجازات‌های هوشمند نیز همانند مجازات‌های سنتی می‌توانند مورد سوءاستفاده دولتمردان قرار گیرند و دولت‌ها از آنها برای ایجاد احساس نفرت به بیگانگان و افزایش همبستگی ملی برای مقابله با تهدیدها بهره‌برداری کنند. با این حال در مجموع، مجازات‌های هوشمند بین‌المللی به دلیل دقیق و فراگیر بودن از یک سو و حمایت گسترده بین‌المللی از آنها از سوی دیگر، تا کنون بهتر از مجازات‌های دوجانبه و سنتی توانسته‌اند به اهداف مورد نظر برسند. (۱۹) همکاری گسترده بین‌المللی، حمایت از مخالفان داخلی حکومت‌های هدف، ارائه مشوق‌ها به جای مجازات‌ها یا در کنار آنها، پیشنهادات جدیدی است که برای مؤثرتر شدن تحریم‌های بین‌المللی ارائه می‌شود. (۲۰)

۳. مجازات‌ها و ظرفیت بین‌المللی

موضوع اصلی طرح مجازات‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، فعالیت‌های هسته‌ای آن می‌باشد. ایالات متحده آمریکا و سه قدرت مهم اروپایی یعنی انگلستان، آلمان و فرانسه، مدعی‌اند که جمهوری اسلامی ایران زیر پوشش فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، در پی دستیابی به بمب اتم می‌باشد؛ و تلاش‌های آژانس از چهار سال پیش، موجب ایجاد اطمینان در جامعه بین‌المللی در مورد این فعالیت‌ها نشده و تداوم این روند به نقض رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای و به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌انجامد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به عنوان مسئول اصلی پرونده هسته‌ای ایران، به هنگام ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و یا گزارش‌های متعدد دبیر کل سازمان، اعلام کرده که این سازمان «قادر به تأیید صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیست.» (۲۱) شورای امنیت که به ایران برای پذیرش قطعنامه ۱۹۶۹ تا ۹ شهریور ۱۳۸۵ فرصت داده بود؛ پس از سه ماه تلاش و برگزاری جلسات مختلف، در مورد مفاد قطعنامه ۱۷۳۷ به توافق رسید و آن را به اتفاق آرا در ۲ دی‌ماه ۸۵ به تصویب رساند. قطعنامه ۱۷۳۷ در چارچوب فصل هفت منشور قرار دارد که در آن به ایران برای قبول خواسته‌های خود دو ماه فرصت داده و تحریم‌هایی را در حوزه فن‌آوری هسته‌ای و موشکی

در نظر گرفته است. دو کشور روسیه و چین، از مخالفان اصلی تحریم گسترده ایران هستند و توانستند پیش‌نویس قطعنامه را تعدیل و مفادی از آن را حذف نمایند. در عین حال، به اعتقاد اکثر کارشناسان، توانایی آنها در جلوگیری از اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران، متأثر از منافع و محدودیت‌هایی است که باید در رفتار آنها در نظر گرفته شود. این منافع چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، نگاهی گذرا به روابط و مناسبات ایران با دو کشور روسیه و چین و روابط روسیه و چین با ایالات متحده و سایر قدرت‌های موافق اعمال مجازات‌های بین‌المللی علیه ایران، می‌تواند روشنگر باشد.

روابط تجاری میان ایالات متحده و چین، در سطح بسیار بالایی قرار دارد. صادرات و واردات دو کشور در سال ۲۰۰۵، بیش از ۲۸۵ میلیارد دلار بود که نسبت به تجارت ۵۷/۴ میلیارد دلاری سال ۱۹۹۵، پنج برابر شده است. ارزش این نوع تجارت برای چین بسیار بالاتر از ایالات متحده است. از رقم فوق، صادرات آمریکا ۴۱/۸ میلیارد دلار و صادرات چین ۲۴۳/۵ میلیارد دلار است (۲۲) که جدا از کیفیت کالاها، این تجارت کاملاً به نفع چین است و برای آنها اهمیتی به مراتب بالاتر دارد. از این‌رو چینی‌ها به این سادگی نمی‌توانند روابط خود را با ایالات متحده به خطر بیندازند. البته این آسیب‌پذیری‌ها صرفاً در حوزه تجارت دوجانبه نیست. چینی‌ها، رشد و توسعه اقتصادی خود را اولویت نخست سیاست خود قرار داده‌اند، و در عرصه بین‌المللی و در قبال تحولات آن، سیاستی مطابق با خواست اکثریت جامعه بین‌المللی در پیش گرفته‌اند. آنها در ده سال گذشته اقدامی خلاف این سیاست از خود بروز نداده‌اند. به نظر می‌رسد با چنین سیاستی بسیار بعید است که به خاطر روابط خود با ایران، برخلاف اجماع بین‌المللی تصمیمی بگیرند و یا سعی کنند موقعیت بین‌المللی خود را به خطر اندازند. نکته سوم در مورد چین، نیاز این کشور به انرژی منطقه خلیج فارس است. از سال ۱۹۹۳، چین به یکی از واردکنندگان نفت تبدیل شده است. به دلیل آنکه چین همواره بر خودبسایی تأکید دارد، افزایش وابستگی این کشور به نفت وارداتی به ویژه از خلیج فارس، باعث بروز نگرانی در میان رهبران آن شده است. از این‌رو، امنیت جریان انرژی از خلیج فارس، به یکی از بخش‌های مهم اندیشه راهبردی آن تبدیل شده است. از این نظر، نفوذ بی‌رقیب ایالات متحده در خلیج فارس و حضور نظامی آن در خاورمیانه، حکم شمشیر دو لبه برای امنیت انرژی چین

دارد. از یک سو، حضور نظامی آمریکا موجب برقراری ثبات در منطقه می‌شود و چین بدون پرداخت هزینه‌ای نفت خود را دریافت می‌کند؛ از سوی دیگر، چین از آن واهمه دارد که در صورت بروز رویارویی احتمالی در زمینه‌های دیگر، آمریکا از نفوذ خود برای جلوگیری از دسترسی چین به منابع نفتی منطقه استفاده کند. (۲۳) از این رو فرصت خوبی برای ایران وجود دارد که در شرایط متعادل، از نگرانی چین در جهت بهبود موقعیت خود استفاده نماید. در عین حال این فرصت در مرحله ناگزیری چین برای انتخاب میان ایران و آمریکا از بین خواهد رفت و بسیار بعید است که پکن جانب ایران را بگیرد.

در خصوص روسیه و اروپا، روابط تجاری تا حدودی متفاوت است. صادرات و واردات روسیه و ایالات متحده نسبت به چین بسیار پائین است. صادرات آمریکا به روسیه در سال ۲۰۰۵، تنها ۳/۹ میلیارد دلار و صادرات روسیه و آمریکا، ۱۵/۳ میلیارد دلار بود. کل روابط تجاری آن با آمریکا به ۱۹/۲ میلیارد دلار می‌رسید که در قیاس با رقم ۷/۲ میلیارد دلاری سال ۱۹۹۶، قابل توجه است. (۲۴) در مورد تجارت روسیه و ایالات متحده نیز همانند چین و آمریکا، این واشنگتن است که از فرصت‌های جایگزینی بیشتری برخوردار است و در نتیجه در صورت بروز اختلال در روابط تجاری مسکو - واشنگتن، این مسکو است که بیشتر آسیب می‌بیند. با این حال در مورد روابط تجاری آمریکا با روسیه، یادآوری این نکته مهم است که روابط تجاری آنها روند رو به رشدی را طی می‌کند و هر دو کشور درصددند تا از بروز تنش میان دو کشور جلوگیری کنند. آنها در ۱۱ اکتبر ۲۰۰۶، موافقت‌نامه دوجانبه بسیار مهمی را به امضا رساندند که بر اساس آن، امکان دسترسی دو کشور به بازارهای طرف مقابل تسهیل و امکان عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی فراهم می‌شود. (۲۵) موضوع دیگر در مورد عنصر اقتصادی و روابط تجاری روسیه در مقابل تحریم ایران، روابط آن کشور با اتحادیه اروپا است. روسیه، سومین شریک تجاری اتحادیه اروپا پس از آمریکا و چین است. اتحادیه اروپا اصلی‌ترین طرف تجاری روسیه است. ۵۲٪ کل تجارت خارجی روسیه با اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد و روند روبه رشد سریعی دارد؛ به طوری که در سال ۲۰۰۵، ۲۰٪ رشد داشت. کل تجارت آنها در سال ۲۰۰۵ به ۱۶۶ میلیارد یورو بالغ شد که در قیاس با مبلغ ۸۳ میلیارد یورو سال ۲۰۰۳ قابل توجه است. صادرات اروپا به روسیه بسیار متنوع است؛ در حالی که حجم

عظیم صادرات روسیه به اتحادیه اروپا (۶۵٪) را مواد خام معدنی و انرژی تشکیل می‌دهد. (۲۶) در کنار مؤلفه منافع اقتصادی، می‌بایست به دو لابی عمده داخلی روسیه، یعنی ارتش و انرژی و منفعی که آنها از طریق روابط با ایران و یا اجرای سیاست خارجی مستقل‌تر به دست می‌آورند، توجه شود. بخش صنایع نظامی روسیه برای تداوم حیات خود به مشتریان ثروتمند خلیج فارس نیاز دارد؛ و بخش انرژی در ایران، نیروگاه اتمی بوشهر را در دست اجرا دارد و در حوزه نفت و گاز، ضمن برخورداری از نفع مشترک در قیمت بالای آنها، در بازار فروش این فرآورده‌ها رقیب یکدیگر محسوب می‌شوند. (۲۷) تصویب تحریم‌ها یا مجازات‌های بین‌المللی فراگیر، کاملاً به ضرر روسیه است و مشخصاً بدون دادن امتیازات وسیع و مطمئن به این کشور، امکان تصویب آن در شورای امنیت بسیار پائین است. در عین حال، با کاهش سطح تحریم‌ها و استثنا کردن برخی پروژه‌های روسیه در ایران و اعطای امتیازات قابل توجه در حوزه‌های مختلف دیگر، امکان موافقت روسیه با مجازات‌ها افزایش می‌یابد. در این وضعیت، روسیه ضمن حفظ منافع خود در ایران، با دریافت امتیازات قابل توجه از قدرت‌های بزرگ دیگر بخصوص آمریکا، موجب تضعیف رقیب خود در حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی نیز می‌شود. البته این روند، دست‌کم به طور آگاهانه، نباید به جایگزینی آمریکا و تسلط آن کشور بر ایران منجر شود. در شکل‌گیری این سناریو، رفتار ایران نقش اساسی دارد. در عین حال قرار گرفتن روسیه در روند تصویب و اعمال مجازات‌های بین‌المللی، هرچند از موارد جزئی شروع شود، می‌تواند کنش‌ها و واکنش‌ها را پیچیده‌تر نموده و فرصت‌های اندکی را برای جلوگیری از اقدامات قدرت‌های رقیب به این کشور بدهد.

بنابراین با توجه به روابط اقتصادی کشورهای مؤثر در تصویب و اجرای مجازات‌های بین‌المللی علیه ایران با یکدیگر و با ایران، به نظر می‌رسد در صورت تصویب و اجرای مجازات‌های بین‌المللی، ایالات متحده آمریکا به دلیل اینکه هیچ‌گونه رابطه اقتصادی با ایران ندارد بیشترین سود را خواهد برد، بدون اینکه متحمل خسارات اقتصادی بشود. در عین حال، در صورت تغییر رفتار ایران و یا تشدید مجازات‌ها و بروز وضعیت متفاوت، احتمال برخورداری از منافع و فرصت‌های فراوان برای واشنگتن، بیشتر از ماقبل وضع تحریم خواهد بود. اروپائیان در صورت اعمال مجازات، متحمل خسارات قابل توجهی می‌شوند، اما امکان

مشارکت آنها در دوره پس از تحریم، به هر نحو که باشد، بیشتر است. در صورت بروز تغییرات بنیادی در ایران، در نتیجه اعمال مجازات‌های بین‌المللی شدید و گسترده، ضرر اصلی متوجه روسیه است؛ اما در سناریوی اعمال مجازات‌های محدود، در کوتاه‌مدت روسیه و چین بیشترین سود را خواهند برد. در این حالت، به دلیل فقدان شرکت‌ها و قدرت‌های رقیب در عرصه فعالیت‌های اقتصادی ایران، چین و روسیه از شرایط انحصاری برخوردار بوده و از توانایی بالایی برای اعمال نظرات و شرایط خود برخوردار خواهند بود.

نمودار ۵ - سود و زیان اقتصادی کشورها در تحریم ایران

شدت تحریم کشورها	تحریم محدود و موقت	تحریم نفتی	تحریم فراگیر و نامحدود
جمهوری اسلامی ایران	-	-	-
ایالات متحده	+	+	+
اتحادیه اروپا	+	-	-
روسیه	+	+	-
چین	+	-	-
همسایگان ایران	+	+	- +

در مجموع، به نظر می‌رسد در صورت تصویب و اجرای مجازات‌های بین‌المللی چه به صورت محدود و چه به صورت گسترده و فراگیر، جمهوری اسلامی ایران بیشترین خسارت و آسیب اقتصادی را خواهد دید. عامل اصلی در تصویب و اجرای مجازات‌ها یعنی ایالات متحده؛ نه فقط آسیب اقتصادی ندیده و خساراتی را متحمل نمی‌شود؛ بلکه در وضعیت‌های احتمالی بعدی، از فرصت و موقعیت مناسب‌تری برخوردار خواهد شد.

ب. ویژگی‌ها و ظرفیت اقتصادی ایران

جمهوری اسلامی ایران در یک روند عقلانی، با توجه به کشش و ظرفیت خود، میزان دستاوردهای تداوم رفتار خود در حوزه دست‌یابی به فن‌آوری هسته‌ای، میزان جدیت و آستانه تحمل قدرت‌های اعمال‌کننده تحریم‌ها و همچنین میزان دستاوردها و خسارات ناشی از تغییر رفتار خود تصمیم می‌گیرد. تأثیر تحریم‌های بین‌المللی با توجه به ظرفیت و توانمندی‌ها یا آسیب‌پذیری‌های ایران تشدید شده یا تحلیل می‌روند. به طور مشخص، تحریم‌ها در بستر اقتصاد، اجتماع و سیاست ایران جریان یافته و بر ساحت‌های اجتماعی آن تأثیر خواهد گذاشت.

برخلاف دیدگاه‌های سنتی که امنیت ملی را جزء مقولات سیاست عالی و موضوعات اقتصادی را در حوزه سیاست‌دانی می‌دانند و تمایزی ساختگی میان آنها قایل می‌شوند، در شرایط کنونی و در نظریه‌های جدید، چنین تمایزی بسیار کم‌رنگ دیده می‌شود. آنها می‌گویند در هم‌تنیدگی وضعیت اقتصادی و امنیت ملی، بسیار شدید و روزافزون است. همچنانکه قدرت اقتصادی به طور غیرمستقیم و از طریق افزایش توانایی نظامی به حفظ امنیت ملی کمک می‌کند، به صورت مستقیم با کاهش آسیب‌پذیری‌ها، موجب رفع و کاهش تهدیدهای داخلی و خارجی امنیت ملی می‌شود. (۲۸) بنابراین وضعیت اقتصادی کشور به طور مشخص با حمایت از قدرت نظامی و افزایش کارآمدی دولت و رفاه عمومی در حوزه اجتماعی، بر امنیت ملی کشور تأثیر می‌گذارد. قطع درآمدهای اقتصادی یا بروز اختلال در آنها، عملاً تأثیر معکوس بر امنیت ملی دارد.

با نگاهی گذرا به اقتصاد ایران، چندویژگی برجسته آن را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. **اقتصاد نفتی و دولت رانتیر.** ساختار دولت در ایران طی چهل سال گذشته، ساختی رانتی و مبتنی بر ثروت بی‌زحمت نفت بوده است. این ویژگی موجب گسترش دیوان‌سالاری ناکارآمد، رفاه نسبی بالا میان مردم، فساد اداری و اقتصادی زیاد، افزایش شکاف‌های اجتماعی، افزایش توانایی دولت در شکل‌دادن به ساختارهای اجتماعی، استقلال مالی دولت از جامعه، و گرایش به سوی سیاست خارجی بسط محور در منطقه شده است. (۲۹)
۲. **نظام اقتصادی مختلط.** دومین ویژگی اقتصاد ایران، مختلط‌بودن آن است. اقتصاد ایران بخصوص پس از انقلاب اسلامی، به اقتصاد دولتی تبدیل شد و عملاً دولت با در اختیار

داشتن حجم وسیعی از صنایع تولیدی و خدماتی کوچک و بزرگ، جدا از درآمد نفتی، یک کارگزار اقتصادی است. اداره بیش از ۷۰٪ اقتصاد ایران در اختیار دولت است و بخش خصوصی به شکلی محدود در بخش‌های خدماتی و کشاورزی فعال است. فعالیت بخش خصوصی به شدت تحت تأثیر سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی دولت می‌باشد. (۳۰) با وجود این، اقتصاد ایران را نمی‌توان اقتصادی کاملاً دولتی به مفهومی که در کشورهای کمونیستی رایج است، دانست. ایران دارای بخش خصوصی ریشه‌داری است و به لحاظ نظری، اقتصاد اسلامی با اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد قرابت بیشتری دارد. (۳۱)

۳. اقتصاد تک‌محصولی: اقتصاد نفتی موجب شده که روابط تجاری خارجی ایران، بیشتر بر پایه صدور نفت خام و خرید کالاهای مصرفی شکل گیرد. نفت به رغم اهمیت استراتژیکی که در جهان دارد، موجب آسیب‌پذیری نیز می‌باشد. قطع صدور نفت به هر دلیلی که باشد، روابط تجاری خارجی ایران را با چالش‌های غیرقابل تحمل روبرو ساخته و به رشد و رونق اقتصادی ایران، آسیبی بنیان‌شکن وارد می‌سازد؛ همانگونه که طی سال‌های گذشته رونق و رشد اقتصادی ایران اساساً تحت تأثیر افزایش درآمد نفت بوده است. (۳۲)

اقتصاد تک‌محصولی در مواقعی که قیمت نفت بالاست؛ موجب تشدید واردات از خارج شده و عرصه را برای تولیدکنندگان داخلی تنگ‌تر می‌نماید.

نمودار ۶ - ترکیب واردات گمرکی بر اساس نوع مصرف (میلیون دلار)

۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
۴۷/۸	۴۵/۸	۳۸/۷	۲۴/۸	۱۶۸۹۸	۱۲۱۸۷	۹۷۶۶	مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای
۳۴/۲	۴۲/۲	۷/۸	۱۶/۱	۱۲۱۰۵	۱۲۲۲۶	۹۶۶۸	کالاهای سرمایه‌ای
۱۸/۰	۱۲/۰	۱۰۰/۵	۱۲/۱	۶۳۸۶	۳۱۸۵	۲۸۴۲	کالاهای مصرفی
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۳۳/۱	۱۹/۴	۳۵۳۸۹	۲۶۵۹۸	۲۲۲۷۵	جمع کل
		۳۳/۱	۲۲/۲	۳۵۳۸۹	۲۶۵۹۸	۲۱۷۶۱	واردات گمرکی تعدیل شده

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران آمارها و داده‌ها فصل دوازدهم وضعیت خارجی اقتصاد ص ۴

اتکای بیش از حد دولت بر درآمدهای نفتی در طی چندسال گذشته و بخصوص از سال ۱۳۸۵، به شدت افزایش یافته است. بودجه ۱۳۸۵ میزان اتکا به درآمد نفتی را از متوسط ۱۴

میلیارد دلار به ۳۹/۶ میلیارد دلار افزایش داد که با برداشت‌های بعدی از صندوق ذخیره، میزان آن زیادت‌تر نیز شد. بر اساس دیدگاه نمایندگان مجلس، بودجه سال ۱۳۸۶ با قیمت هر بشکه نفت ۴۵ دلار محاسبه شده است. رشد نقدینگی در کشور با ۳۴/۹ درصد در مرداد ۸۵، به مرز هشدار دهنده‌ای رسیده و تداوم آن تورم بالایی را در پی خواهد داشت. (۳۲) بخصوص اینکه توان جذب بازار سرمایه (بورس) در این مدت به شدت کاهش یافته است.

پیامدهای اقتصادی اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به شدت، میزان اجماع و سیاست‌های ایران بستگی دارد که ممکن است در یک فرایند فزاینده، تشدید شود. همانگونه که از تجارب سایر موارد اعمال مجازات‌های بین‌المللی و روند طی شده در خصوص پرونده هسته‌ای ایران برمی‌آید، وضع و اعمال مجازات‌های بین‌المللی، یک روند تدریجی دارد. همانطور که در بحث نظری اشاره شد، تحریم نوعی پیغام دیپلماتیک در مخالفت با رفتار خاص از سوی کشور مورد تحریم می‌باشد. عدم توجه به آن می‌تواند موجب تشدید اقدامات جامعه بین‌المللی در مخالفت با رفتار مورد نظر شود. بر این اساس در دوره جنگ سرد، دو نمونه اعمال مجازات‌های بین‌المللی کشورهای رودزیا و آفریقای جنوبی بود که در هر دو مورد، کشورهای مورد تحریم در نهایت ناگزیر به تغییر رفتار شدند. در دوره پس از جنگ سرد نیز دو حالت بیشتر وجود نداشته است. نخست، عقب‌نشینی کشور مورد تحریم از رفتار قبلی و لغو تحریم‌ها در یک روند تدریجی است. مانند مورد لیبی که در آن معمر قذافی در نهایت ناگزیر شد به خواسته‌های شورای امنیت و حتی تک‌تک دولت‌های صاحب حق و تو در شورای امنیت تن داده و رضایت آنها را برای صدور قطعنامه جدید به منظور لغو مجازات‌های اعمال شده به دست آورد. (۳۳) شق دوم، مقاومت و ایستادگی در برابر شورای امنیت و پافشاری بر رفتار قبلی است. در این حالت، کشور مورد تحریم با مجازات‌های سنگین‌تر و حتی توسل به زور مواجه شد. عراق نمونه بارز این گزینه بود. رژیم صدام حسین به رغم همکاری در برخی زمینه‌ها، در مقابل مجازات‌های شورای امنیت مقاومت کرد و در نهایت در معرض توسل به زور از سوی آمریکا قرار گرفت. (۳۴)

در خصوص ایران نیز می‌توان چنین روندی را ترسیم کرد. مطمئناً نخستین قطعنامه نمی‌تواند شامل تحریم همه‌جانبه و فراگیر باشد. در این وضعیت، امکان اجماع کشورهای

عضو شورای امنیت مسیر نیست. در شورای امنیت ۱۵ کشور تصمیم می‌گیرند. آنها منافع متعارضی با یکدیگر و در ارتباط با ایران دارند. منافع آنها با توجه به میزان مجازات‌ها تأمین یا تضعیف می‌شود. میزان حساسیت آنها در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران متفاوت است؛ اما دست کم تمام اعضای کنونی شورای امنیت در مورد ایران غیرهسته‌ای توافق دارند. شدت تحریم‌ها و مجازات‌ها از موارد تحریم هسته‌ای و موشکی شروع و به سوی تحریم‌های مالی، نفتی، اقتصادی محدود و فراگیر، پیش رفته و احتمالاً در حوزه دیپلماتیک نیز از محدودیت بر سفر مقامات تا سفارتخانه‌ها به صورت موضوعی تا تحریم دیپلماتیک فراگیر و عام در حرکت خواهد بود. به نظر می‌رسد در صورت تداوم رویارویی، امکان بهره‌گیری از گزینه توسل به زور در شکل محدود و فراگیر نیز قابل تصور است. این فرایند هم در اصول منشور ملل متحد طرح شده و هم از تجارب تاریخی اعمال مجازات‌های بین‌المللی قابل استنباط است. روند سیر پرونده هسته‌ای ایران نیز چنین مسیری را نشان می‌دهد.

با فرض اعمال نوعی تحریم مالی و نفتی فراگیر از سوی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران، پیامدهای اقتصادی زیر برای اقتصاد ایران قابل تصور است (۳۳):

- مبادله تجاری اگر کاملاً از بین نرود، دست‌کم به شدت به زیان ایران تغییر خواهد کرد. رابطه مبادله، نشان‌دهنده نسبت کل صادرات یک کشور به واردات آن از کشور مقابل می‌باشد. اگر مبلغ کل واردات یک کشور بیشتر از صادرات آن باشد، رابطه مبادله منفی است. در صورت تصویب و اعمال تحریم، به دلیل افزایش قیمت کالاهای وارداتی و کاهش قیمت کالاهای صادراتی، رابطه مبادله تجاری به ضرر ایران تغییر خواهد یافت.
- اعمال تحریم، موجب دولتی‌تر شدن اقتصاد ایران خواهد شد. دولت برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع، تلاش بیشتری برای کنترل اقتصاد انجام خواهد داد. با توجه به اینکه اقتصاد دولتی ضعیف‌ترین بازدهی اقتصادی را دارد، اقتصاد ایران در اثر دولتی‌شدن با مشکلات بیشتری روبرو خواهد شد. گسترش رانت‌جویی، اتلاف منابع، قیمت‌گذاری دولتی، افزایش مداخله دولت در عرصه اقتصاد و در نتیجه، افزایش هزینه‌های عمومی دولت و کسری بودجه بیشتر از

یک سو و تنگ‌ترشدن عرصه برای فعالیت بخش خصوصی از سوی دیگر، می‌توانند پیامدهای مستقیم دولتی‌ترشدن اقتصاد ایران باشند.

- گسترش قاچاق، پیامد دیگر تحریم‌های اقتصادی است. تحریم‌ها عملاً قوانین حاکم بر بازار آزاد (قانون قیمت بر اساس عرضه و تقاضا) را برهم خواهند زد. بروز زمینه‌های انحصاری بر کالاها در کشورهای فروشنده و محدودیت‌های قانونی بین‌المللی برای انتقال آنها، موجب کمیابی و در نتیجه گسترش قاچاق آنها از کشورهای دیگر به ایران و در داخل خود ایران خواهد شد. همین موضوع خود افزایش قیمت‌ها و فساد اجتماعی و اقتصادی بیشتر را در پی دارد. در عین حال، دولت برای جلوگیری از آنها به مداخله بیشتر روی خواهد آورد که افزایش هزینه‌های دولتی و فساد اداری از این طریق می‌تواند قابل طرح باشد.
- سرمایه‌گذاری داخلی و بین‌المللی در شرایط عادی و امن صورت می‌گیرد. اعمال تحریم‌های بین‌المللی رابطه مستقیمی با کاهش میزان سرمایه‌گذاری دارد. قطع سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، خروج سرمایه از داخل، تعلیق ورود ایران به سازمان تجارت جهانی، افزایش امکان مصادره اموال ایران در خارج و بلوکه شدن حساب‌های بانکی ایران، افزایش هزینه‌های بیمه‌ای ایران در خارج و داخل، عواملی هستند که زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاری را از بین برده و به خروج آنها می‌انجامند.
- در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، موقعیت اقتصادی ایران به خطر افتاده و کشورهای همسایه در زمینه بهره‌برداری از منابع مشترک، فروش کالا و خدمات به سواری رایگان روی خواهند آورد.
- فقدان سرمایه‌گذاری جدید در داخل و کسری بودجه زیاد دولت، موجب خواهد شد که قیمت کالاهای داخلی و خارجی برای مصرف‌کننده افزایش یابد. هزینه تمام‌شده تولید در شرایط تحریم بالاست. کاهش فعالیت اقتصادی به کاهش میزان اشتغال و کاهش مالیات‌های دولتی منجر خواهد شد که عملاً کسری بودجه دولت را در برخواهد داشت. در این وضعیت، دوره بهره‌برداری از

سرمایه‌گذاری‌های دولتی طولانی‌تر شده و آثار تورمی بیشتری را نشان خواهد داد.

به طور کلی، آثار تحریم‌ها را با توجه به شدت، میزان، جدیت و سیاست‌های ایران در مقابل آنها می‌توان در برهم خوردن تعادل اقتصادی ایران دید. در این وضعیت، اقتصاد دولتی‌تر، تورم زیادتر، اشتغال محدودتر، خروج سرمایه فزون‌تر و موقعیت اقتصادی ایران در منطقه و جهان ضعیف‌تر خواهد شد. ایران فرصت‌های زیادی را برای بهبود موقعیت خود از دست خواهد داد و امکان تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله، دست کم در زمینه اقتصادی غیرممکن خواهد شد. اختلال در ساحت اقتصادی ایران، پیامدهای امنیتی گسترده‌ای در پی خواهد داشت که هم می‌تواند به بروز اختلالات در عرصه سیاسی - اجتماعی داخلی یا اقدام خارجی ضدامنیتی منجر شود. در زیر سازوکارهای این تأثیرگذاری به اجمال تشریح می‌شود.

ج. سازوکارهای تأثیرگذاری امنیتی تحریم‌ها بر ایران

سازوکارهای تأثیرگذاری تحریم‌ها بر امنیت ملی ایران را می‌توان در دو حوزه داخلی و بین‌المللی بررسی کرد. در حوزه بین‌المللی، تصویب و اجرای مجازات، موجب تنزل یا قطع روابط اقتصادی سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر می‌شود که عملاً کاهش پیوندهای ایران با کشورهای دیگر و انزوای بیشتر آن را در پی خواهد داشت. در چنین شرایطی، بر اساس دیدگاه مکتب لیبرالیسم، امکان بروز جنگ و حمله نظامی میان کشورها افزایش می‌یابد. پیوندهای تجاری از عوامل مؤثر در جلوگیری از بروز جنگ هستند. فقدان آنها به معنای کاهش هزینه‌های جنگ برای مهاجمین و سایر قدرت‌های مؤثر در عرصه بین‌المللی است. (۳۴) در این وضعیت، تلاش برای تدارک جنگ با مخالفت هیچ شرکت چندملیتی و مراکز ذی‌نفع اقتصادی روبرو نخواهد بود و حتی ممکن است با تلاش و حمایت ضمنی و علنی برخی از آنها نیز همراه باشد. در این شرایط، عوامل سیستمیک در راستای تشدید بحران و احتمالاً انجام اقدامات نظامی از سوی قدرت‌های بزرگ بخصوص آمریکا عمل خواهد کرد. کشورهای همسایه ایران نیز با توجه به احساس وحشتی که نسبت به قدرت

ایران دارند، کم و بیش تمایلات مثبتی نسبت به اقدامات تحدیدکننده قدرت ایران نشان می‌دهند. (۳۵)

اقدام نظامی خارجی علیه یک کشور، خالص‌ترین نمود نقض امنیت ملی هر کشوری است. بر اساس مراحل که در منشور ملل متحد برای جلوگیری از نقض صلح و امنیت بین‌المللی در نظر گرفته شده، شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات، مثل مذاکرات دیپلماتیک، میانجی‌گری، مساعی جمیله در گام اول، اعمال تحریم‌ها یا مجازات‌های اقتصادی و دیپلماتیک در مرحله دوم و بالاخره در صورت بی‌نتیجه بودن آنها، توسل به زور در مرحله بعدی قرار دارد که ممکن است علیه کشوری به اجرا گذاشته شود. مورد عراق نمونه قابل تأملی از طی مراحل فوق بود. در ابتدا، مجازات‌هایی را علیه عراق اعمال کردند؛ اما با توجه به اینکه ایالات متحده مدعی بود که مجازات‌های سازمان ملل موجب تغییر رفتار دولت عراق نشده‌اند، خواستار تشدید اقدامات و توسل به زور شد و در نهایت، این کشور را هدف حملات نظامی همه‌جانبه قرار داد که عملاً نقض کامل امنیت ملی عراق بود و به نظر می‌رسد قابل قیاس با مجازات‌ها نیست. در این مرحله، نه تنها رژیم سیاسی سرنگون می‌شود، بلکه زیربنای اقتصادی نیز کاملاً منهدم شده و خسارات مالی و جانی فراوانی بر کشور تحمیل می‌گردد.

در خصوص جمهوری اسلامی ایران، تصویب قطعنامه‌های تحریم می‌تواند آغاز مرحله‌ای باشد که ممکن است در صورت ناتوانی دو طرف در رسیدن به راه‌حل‌های قابل قبول، به رویارویی نظامی و در نتیجه نقض کامل امنیت ملی ایران منجر شود. البته این امر موضوعی زمان‌بر است و دارای مراحل و شرایطی است که قابل بررسی و تجزیه و تحلیل می‌باشد، که به برخی از ابعاد و مراحل آن اشاره شد.

سه سازوکار دیگر بیشتر در حوزه داخلی است که آنها را می‌توان در قالب دولت رانتیر، معمای امنیت و بحران‌های سیاسی ارزیابی کرد. سازوکارهای درونی و بیرونی، جدا از هم نیستند. آنها در تعامل با یکدیگر هستند و همدیگر را تقویت یا تضعیف می‌کنند.

دولت رانتیر در ایران دارای پیامدهایی است. این ویژگی انتظارات مردم از دولت و روابط آنها با دولت را از یک سو و رفتار دولت در عرصه داخلی و بین‌المللی را از سوی دیگر به شدت تحت تأثیر قرار داده است. دولت‌ها در ایران با مشکل اساسی جدایی از مردم و جامعه مدنی روبرو هستند. آنها به دلیل برخورداری از پول فراوان نفت نیازی به اخذ مالیات از مردم، برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای ایجاد فرصت‌های بیشتر برای بخش خصوصی و افزایش درآمد آنها ندارند. دولت‌ها با پول نفت به یکی از بازیگران مهم عرصه اقتصادی تبدیل می‌شوند؛ و در واقع علاوه بر توزیع اقتدارآمیز قدرت سیاسی، از نوعی انحصار قدرت اقتصادی نیز برخوردارند و سعی می‌کنند به مهندسی کامل جامعه بپردازند. انتظارات حداکثری دولت برای پیشبرد فرایندها و تحولات اجتماعی در کنار استقلال کامل از جامعه مدنی در عرصه درآمدهای اقتصادی، ناکارآمدی دولت‌ها را تقویت و توان آنها را به هنگام بروز بحران‌ها به تحلیل برده و آشکار می‌سازد. (۳۶) این مسأله در عرصه بین‌المللی نیز برای دولت‌های ایران وجود دارد. آنها با اتکا به درآمدهای بی‌زحمت نفتی، معمولاً به هدف‌های بزرگ و گاهی خیالی روی می‌آورند که در بهترین حالت به ناپودی درآمدهای نفتی می‌انجامد و یا مشکلات فزونی‌تری را بر ایران تحمیل می‌نماید.

افزون بر دیوان‌سالاری ناکارآمد، گسترده و تصمیمات بدون پشتوانه دولت در عرصه داخلی و بین‌المللی، مردم نیز انتظارات زیادی از دولت دارند. آنها نه تنها عادت‌ها به پرداخت مالیات ندارند، بلکه خواستار تقسیم پول نفت در میان خود هستند. آنها انتظارات حداکثری از دولت‌ها دارند که به مرور زمان افزایش نیز می‌یابد. ایرانیان از دولت خود آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان یا ارزان قیمت و بهای پائین برای خدمات دولتی را انتظار دارند. برخی از این خواسته‌ها در انقلاب اسلامی طرح و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قید شده است. تحولات ۲۸ سال پس از انقلاب بخصوص در مقاطع انتخابات، موجب تشدید انتظارات مردم از زمامداران شده است. نقطه اوج این تشدید انتظارات در انتخابات نهم ریاست جمهوری بود که هر کدام از نامزدهای ریاست جمهوری با وعده‌های عینی اقتصادی و آن هم از نوع فوری مثل ۵۰ هزار تومان در ماه، پول نفت بر سر سفره‌ها و سهام عدالت، به تبلیغ برنامه‌های خود پرداختند. افزایش انتظارات اقتصادی مردم از سفرهای استانی رئیس جمهور

ایران موجب شده است که برخلاف دوره‌های قبلی، اوضاع دوره انتخاباتی همچنان تداوم داشته باشد. در این وضعیت، قطع درآمدهای نفتی موجب آشکارشدن ناتوانی دولت در برآورد انتظارات درست یا نادرست مردم خواهد شد و سرخوردگی شدید می‌تواند به رفتار نامتعادل در عرصه اجتماعی به شکل فردی یا جمعی، انفرادی و سازمان‌یافته منجر شود. (۳۷) با اعمال تحریم‌ها به خصوص در سطح گسترده، زندگی همه مردم با خطرات جدی مواجه خواهد شد. شکاف میان انتظارات و واقعیات‌های اجتماعی، وسیع‌تر و بدبینی نسبت به سیاست‌ها، برنامه‌ها و زمامداران فزون‌تر خواهد شد.

معمای امنیت، سازوکار دیگری است که مجازات‌های بین‌المللی از طریق آنها بر روی امنیت ملی ایران تأثیر منفی می‌گذارند. معمای امنیت در دو وجه ادراکی و تخصیصی یا سطح ملی و سطح بین‌المللی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در وجه ادراکی یا سطح بین‌المللی، معمای امنیت از آنجا ناشی می‌شود که یک کشور برای حفظ امنیت خود در برابر تهدیدات سایر کشورها و یا جلوگیری از تجاوز احتمالی آنها، قدرت نظامی خود را افزایش می‌دهد. افزایش قدرت نظامی یک کشور، موجب نگرانی کشورهای دیگر شده و در نتیجه با واکنش آنها و افزایش قدرت نظامی‌شان روبرو خواهد شد. در این حالت، کشورها در موقعیت خطرناک رقابت تسلیحاتی قرار می‌گیرند که برای همه آنها زیان‌بار و موجب ناامنی بیشتر می‌شود. تلاش برای افزایش ضریب امنیت از طریق تقویت توان نظامی، در نهایت به تضعیف امنیت کشور منجر می‌شود که از آن با عنوان معمای امنیت یاد می‌شود. (۳۸)

وجه دیگر معمای امنیت در سطح ملی قرار دارد. در وجه تخصیصی، فرض این است که دولت‌ها، درآمدها و امکانات محدود و هدف و کارویژه‌های متعدد دارند. یکی از کارویژه‌های مطلوب دولت‌ها، تخصیص مناسب سرمایه‌ها و امکانات کشور بین حوزه‌های مختلف و مورد نیاز جامعه است. این حوزه‌ها لزوماً مکمل هم نیستند. برخی از آنها در تعارض با یکدیگر قرار دارند. رفاه و امنیت در ابعادی با هم تعارض دارند. تأکید یک دولت بر قدرت نظامی و تخصیص سرمایه‌های کشور به این حوزه، موجب تضعیف هدف‌های توسعه‌ای کشور و در نتیجه، کاهش رفاه مردم می‌شود که ممکن است با واکنش مردم روبرو شده و امنیت ملی کشور از درون به خطر افتد. (۳۹) هر قدر ساختار نظامی - سیاسی در انتقال نظرات مردم و گردش

نخبگان از توانمندی بالایی برخوردار باشد، در چنین مواقعی علائم هشداردهنده به سرعت به زمامداران منتقل و موجب تعدیل رفتار آنها می‌شود. در عین حال، چنانچه ساختار، ناتوان از انتقال این علایم باشد، خواسته‌ها و گرایش‌ها در مسیر مخرب‌تری قرار گرفته و به نظام سیاسی و در نتیجه امنیت ملی لطمه خواهد زد.

با اعمال تحریم‌های مالی علیه جمهوری اسلامی ایران، بخصوص اگر این تحریم شامل صدور نفت هم بشود، وضعیت اقتصادی ایران به شدت دچار بحران خواهد شد. کاهش درآمدهای نفتی ایران، شوک عظیمی بر اقتصاد و بودجه دولت وارد خواهد کرد. بدون در نظر گرفتن پیامدهای جانبی تحریم اقتصادی، صرف حذف درآمدهای نفتی به معنای از بین رفتن ۳۲٪ تولید ناخالص ملی است (۴۰) که البته در دو سال گذشته، این مقدار با توجه به افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، افزایش نیز یافته است. در این مدت، برخلاف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، میزان وابستگی دولت به درآمدهای نفتی افزایش یافته و در نتیجه آسیب‌پذیری آن نیز بیشتر شده است. بنابراین کاهش قیمت نفت یا قطع آن به معنای کاهش شدید توان دولت برای تخصیص منابع بیشتر به اهداف توسعه‌ای و رفاهی مردم است. در این وضعیت، با توجه به تشدید احتمال اقدامات نظامی از سوی دولت‌های متخاصم، مسایل و امور نظامی بیش از اهداف توسعه‌ای اولویت پیدا می‌کنند و دولت، بیش از شرایط عادی به این بخش توان و امکانات اختصاص می‌دهد. در این حالت، بر بخش‌های غیرنظامی فشار مضاعفی وارد می‌شود که با توجه به شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی دیگر ایران مثل تورم، رکود، بیکاری، جمعیت جوان، انتظارات فزاینده، ارتباطات نسبتاً گسترده با کشورهای دیگر، تجربه دوره‌های مختلف رفاهی، اقتصاد وابسته به نفت، دولت گسترده و ناکارآمد، انزوای بین‌المللی و فشارهای گسترده خارجی، پیامدهای امنیتی و اجتماعی را می‌توان در قالب شورش‌های اجتماعی، بحران‌های اقتصادی، گسترش فساد اداری، بی‌اعتمادی به همدیگر و بی‌اعتنایی به ارزش‌های مشترک، فرار مغزها و افزایش جرم و جنایت در جامعه مشاهده کرد. در چنین بستری، فشارهای بین‌المللی به سرعت می‌توانند به موجی بنیان‌کن برای نظام سیاسی ایران تبدیل شوند. (۴۱)

آخرین سازوکاری که تحریم‌های بین‌المللی می‌توانند از طریق آنها بر امنیت ملی ایران تأثیر بگذارند، بروز بحران‌های پنج‌گانه هویت، مشروعیت، توزیع، نفوذ و مشارکت است. (۴۲)

کارآمدی دولت‌ها در انجام وظایفشان، یکی از عوامل مؤثر بر مشروعیت آنهاست. افزایش توانمندی‌های جامعه به وفاداری بیشتر مردم به کشور و زمامداران منجر می‌شود. موفقیت و کامیابی دولت‌ها، حس تعلق افراد به جامعه را تقویت می‌کند و آنها به هویت خودشان آگاهی بیشتری یافته و نسبت به آن افتخار می‌نمایند. در وضعیتی که کشورها با بحران‌های مالی و اقتصادی روبرو هستند، به میزانی که مردم، زمامداران را در ایجاد آن مقصر بدانند، در کاهش حق نمایندگی آنها از سوی مردم و در نتیجه میزان محبوبیت و مشروعیت مؤثر است. اگر در درون نظام، افراد و اقشار جایگزین مناسبی پیدا نشود و یا ساختار سیاسی، اجازه چنین گردشگری را به نخبگان ندهد، امکان ناامیدی در میان مردم از زمامداران بیشتر خواهد شد و بحران‌های سیاسی تعمیق بیشتری خواهد یافت که ممکن است با فراهم‌شدن سایر شرایط، به تحولات بنیادی منجر شود. کاهش درآمدهای نفتی، زمینه‌ای برای پیدایش بحران‌های توزیع و نفوذ است. دولت به دلیل کاهش درآمدهای نفتی با کمیابی بیشتری مواجه است؛ در حالی که به خاطر بروز شرایط بحرانی؛ جامعه به منابع بیشتری برای پشت سر گذاشتن مشکلات نیاز دارد. در این وضعیت، ممکن است قوانین و برنامه‌های دولت از پشتوانه اندکی برای اجماع در سراسر کشور برخوردار باشد. دولت نفوذ خود را از دست داده و توان اندکی برای اجرای سیاست‌های خود خواهد داشت. هر یک از این بحران‌ها، بر روی دیگری تأثیر می‌گذارد و آنها را تقویت می‌کند. بدین ترتیب، فشار خارجی به عاملی درونی تبدیل شده و بنیان‌های سیاسی کشور را تضعیف می‌نماید که در صورت تداوم، ممکن است به تغییرات بنیادی در جامعه و نظام سیاسی منجر شود.

نتیجه‌گیری

به لحاظ هستی‌شناختی، نظریه تحریم‌های بین‌المللی، دولت‌ها را بازیگرانی می‌داند که از انتخاب عقلانی پیروی می‌کنند. آنها با محاسبه سود حاصل از رفتار خود و هزینه‌های تحریم بین‌المللی، سیاست بعدی خود را برمی‌گزینند. در صورت تفوق هزینه‌های تحریم بر سود حاصل از رفتار مورد مخالفت جامعه بین‌المللی، دولت مورد نظر رفتار خود را تعدیل و نسبت به تغییر آن اقدام خواهد کرد؛ ولی اگر سود رفتار قبلی بیشتر از هزینه‌های تحریم باشد، تداوم

رفتار قبلی منطقی‌تر است. تحریم‌های بین‌المللی نوعی پیام به دولت هدف است تا رفتار خود را تغییر دهد و یا شاهد اقدامات شدیدتر باشد. بین تحریم‌های بین‌المللی ناشی از مصوبه شورای امنیت در قالب فصل هفت منشور با سایر تحریم‌های دوجانبه و چندجانبه، تفاوت وجود دارد. این نوع تحریم‌ها تا کنون در موارد اندکی تصویب و اعمال شده‌اند؛ اما بر خلاف تحریم‌های دوجانبه که تنها ۳۵٪ به نتیجه مورد نظر رسیده‌اند، این تحریم‌ها یا کاملاً موفق بوده‌اند و به تغییر رفتار دولت هدف انجامیده‌اند و یا به گزینه‌های شدیدتر از سوی شورای امنیت منتهی شده و با نابودی دولت هدف، موضوعیت تحریم منتفی شده است. بنابراین، تحریم‌های بین‌المللی فرایندی فزاینده است که در آن ابتدا اجماع بین‌المللی علیه رفتار کشور هدف حاصل می‌شود و آنگاه با قبول وقوع تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی، تصمیمی اتخاذ می‌شود و عملاً فارغ از منافع حیثیت یک نهاد بین‌المللی و بازیگران آن، به پشتوانه پیشبرد تصمیم تبدیل می‌گردد. این فرایند به لحاظ موضوعات مورد تحریم نیز فزاینده است و در صورت پاسخ منفی دولت هدف، در یک دوره مشخص از تحریم‌های موضوعی به تحریم‌های گسترده اقتصادی، دیپلماتیک، و احتمالاً مجازات‌ها و اقدامات نظامی منجر می‌شود که در هر مرحله شدیدتر و هزینه‌ها برای دولت هدف فزون‌تر خواهد شد.

تحریم‌های بین‌المللی هوشمند به ظاهر دولت را هدف می‌گیرند؛ اما در عمل تفاوتی با تحریم‌های سنتی یا خام ندارند و عملاً به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به کاهش سودمندی دولت و جامعه انجامیده و دولت را به خاطر ناکارآمدی، از درون و بیرون تحت فشار قرار می‌دهند. تحریم‌های شدیدتر، در پی تشدید فشارهای اقتصادی و مالی بین‌المللی از طریق سازوکارهای درونی جامعه هدف است که معمولاً از طریق کاهش توانمندی‌های دولت در انجام وظایف اولیه و کارویژه‌های حفظ و بازسازی ساختارها و ارزش‌های تداوم‌دهنده جامعه صورت می‌گیرد و موجب بروز بحران‌هایی می‌شود که برای تداوم دولت بسیار خطرناک هستند. بخصوص اینکه در چنین وضعیتی، بحران‌های درونی با فشارهای فزاینده بین‌المللی نیز همراه هستند.

در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز تحریم‌های بین‌المللی در صورت تشدید و فراگیری می‌توانند به سرعت بحران‌زا شده و توانمندی‌های دولت را که به صورت گسترده به درآمدهای

نفی وابسته است، به تحلیل برده و به آن آسیب‌های جدی وارد نمایند. اگر ناتوانی در اقناع سایر دولت‌ها بر صلح‌آمیز و به حق بودن فعالیت‌های هسته‌ای در داخل کشور هم بروز یابد، ممکن است مردم اعمال تحریم‌ها را نه تنها ناشی از بدخواهی قدرت‌های بزرگ بخصوص آمریکا، بلکه ناشی از ضعف و ناتوانی دولت ایران نیز دانسته و نسبت به کارآمدی، مشروعیت و نمایندگی آن دچار تردید شوند. در این حالت که با تشدید تحریم‌ها و پیامدهای اقتصادی منفی آن ملموس‌تر خواهد شد، امکان بروز بحران بیشتر می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران در برابر چنین وضعیتی چند گزینه راهبردی پیش‌روی دارد. گزینه نخست رویکردی انقلابی و تهاجمی در سیاست خارجی، مقاومت در برابر خواسته‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت، تقویت بنیه‌های داخلی و کسب آمادگی در برابر فشارهای بین‌المللی است. به نظر می‌رسد کم و بیش این رویکرد در دستور کار جمهوری اسلامی ایران است و می‌بایست میزان توانمندی این رویکرد، اهداف، هزینه‌ها و دستاوردهای آن مورد ارزیابی قرار گیرد تا سودمندی آن برای جمهوری اسلامی ایران ارزیابی، نقاط ضعف آن برطرف و نقاط قوت آن تقویت شود. گزینه دوم، پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت و توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. در این گزینه که درست نقطه مقابل گزینه نخست است، ایران از حق فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای محروم شده و احتمالاً بهانه آمریکا در این خصوص از بین می‌رود، در این صورت، امکان بسیج جامعه بین‌المللی علیه ایران منتفی می‌شود و یا دست کم هزینه آن برای آمریکا آن قدر بالا می‌رود که امکان اجماع در داخل و اتفاق نظر در جهان برای اقدام شدید علیه ایران پیدا نمی‌شود. گزینه سوم راهی میانه است که بین دو گزینه حداکثری اول و حداقلی دوم قرار دارد. در این گزینه، سعی می‌شود بین خواسته‌های بین‌المللی برای عدم انحراف به فعالیت‌های هسته‌ای نظامی و حق ایران در برخورداری از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای، پیوند برقرار شود. اعتمادسازی اساس این گزینه می‌باشد.

هر کدام از گزینه‌های فوق، مزایا و معایبی دارند. مقایسه دستاوردها و هزینه‌های هر کدام از این گزینه‌ها در درون خودشان و کلیت یک گزینه با گزینه‌های دیگر، ضرورتی غیرقابل انکار برای تصمیم‌گیری است. هر یک از حامیان این گزینه‌ها باید روشن سازند که هدفشان

چیست؟، برای رسیدن به هدف و مقابله با چالش‌های احتمالی چه راهبردی دارند؟، برای انجام چنین کاری چه هزینه‌ای بر کشور وارد می‌شود و چه دستاوردی می‌تواند داشته باشد؟ همچنین لازم است بررسی شود که با انتخاب هر کدام از گزینه‌ها، چه پیامدی ممکن است پیش روی کشور باشد و در صورت وقوع هر یک از آنها چه باید کرد؟ اینها پرسش‌هایی اساسی برای تصمیم‌گیری هستند که باید بررسی شوند؛ اما چیزی که نباید فراموش شود، تامین اهداف و حفظ کلیت کشور و نظام جمهوری اسلامی است.

یادداشت‌ها

1. Robin Niblott and Derek Mix. "Transatlantic approaches, to sanctions: principles and recommendations for actions", *CSIS* October 10, 2006. p. 7. available at: www.csis.org
2. John Stremai. "Shaping international Sanctions" a report the *Carnegie commission on preventing deadly conflict*. November 1996. Available at: www.ics.si.edu.
3. Audie klotz, "Diplomatic isolation" in Netac. Crawford and Audieklotz (eds), *How Sanctions Work*, London: Macmillan, 1999. p. 195 – 212.
4. Kimberly A. Elliott. "Trends in economic sanctions policy: Challenges to conventional wisdom" in Peter Wallenstein and Carina Staibano (eds). *International Sanctions*. London: Frank Cass. 2005. Partz. Ch.1.
5. Neta C. Crawford. "How arms embargoes Work" in Crawford. *op. cit.* p. 45 – 44.
۶. دی. و. باوت، *حقوق نهادهای بین‌المللی*، ترجمه هومن اعرابی، تهران: کیهان، ۱۳۷۳، ص ۶۸ – ۶۱.
۷. حسین علیخانی، *تحریم ایران: شکست یک سیاست*. ترجمه محمد متقی‌نژاد. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰.
8. David Lektzian. "Making & sanctions smarter: are humanitarian costs an essential element in the success of sanctions?" 2003. p. 6. Available at: www.redcross.no.
9. Andrew, Mack and Asif Khan, the efficacy of UN Sanctions", *Security Dialogue*, Vol. 3. No 31, 2000, p. 281.
10. Robert McMahan, *UN Sanctions: A Mixed Record*, November 17, 2006. Available at: www.cfr.org/publication/12045.
11. Steve, Cham & Cooper Drury. "Sanctions as economic statecraft: theory and practice." *American Political Science Review*, Vol. 96, No 1. March 2002; p. 257 – 258.
12. Lektzien, *op. cit.* p. 8.
13. Weiss, T.G; Cartight, D; Lopez, G A; and Minear, L (eds) *Political gain and civilian pain: Humanitarian of Economic Sanctions*. London: Rowman and little field, 1997.
14. David Rieff. "Were sanction right". *The New York Times*. July 27, 2003. A. 14. Available at: www.globalpolicy.org.
15. George A. Lopez. "Economic Sanctions and Failed States: too little, too late and sometimes too much?" April 11, 1999. Available at: www.comm.ucsb.edu.
16. Lektzian. *op.cit.* p. 12 – 13.
17. Michael Eriksson. "Bibliographic paper on international sanctions". May 27, 2003. Available at: www.smartsanctions.se
18. Lektzian, *op. cit.* p. 14.
۱۹. در مورد یافته‌های تجربی اعمال مجازات‌های بین‌المللی به جداول ارائه شده در مقاله زیر مراجعه نمایید:

Lektzian, *op. cit.* p.16-27.

20. Shane Smith. Sanctions: diplomatic tool, or warfare by other means? April 2004. Available at: www.beyondintractability.org.

۲۱. به گزارش‌های مدیر کل آژانس انرژی اتمی و دو قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به شماره‌های ۱۶۱۶ و ۱۷۳۷ در پایگاه سازمان مزبور و IAEA مراجعه نمایند.

www.iaea.org

www.un.org

۲۲. در مورد روابط تجارت آمریکا و چین به پایگاه اینترنتی زیر مراجعه نمایید.

www.uschina.org

23. Richard D. Sokolsky and Eugene B. Runer. "The role of outside powers", in *The Persian Gulf and United States*. National defense University press, Washington D.C. 2003. Ch.6. p. 117 – 144.

24. U.S. Department of State, "Background Note: Russia," July 2006, available at: www.State.gov

25. Fact Sheet on Us–Russia WTO bilateral market access agreement, 11/10/2006. Available at: www.ustr.gov.

26. European commission trade issues: Russia. November 2006. Available at: www.ec.europa.eu

27. Sokolsky and Runner: *op. cit.* 123 – 130.

28. Ripsman, Norrin, "The political economy of Security: a research and teaching agenda." *Journal of Military and Strategic Studies*. Spring 2000. Available at: www.jmss.org

۲۹. ر.ک. به: محمدعلی همایون کاتوزیان. *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطه تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.

۳۰. طهماسب مظاهری، «بیماری‌های اقتصادی ایران، *مجله اقتصاد ایران*». آبان ۱۳۸۳. در پایگاه اینترنتی قابل دسترسی است: www.tashilat.ir

۳۱. ر.ک. به: جمعی از نویسندگان. *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت، جلد دوم، ۱۳۷۴.

۳۲. به گزارش بانک مرکزی ایران، فصل دوازدهم با عنوان «وضعیت بخش خارجی اقتصاد» مراجعه نمایید. پایگاه اینترنتی زیر ر.ک:

www.cbi.ir

33. روزنامه اعتماد ملی. «نگرانی اقتصاددانان از رشد نقدینگی در کشور»، ۸۵/۹/۲۳، در پایگاه اینترنتی

www.magiran.com

34. CNN. "Key facts: Libya sanctions", February 10, 2004, available at: www.cnn.com

35. The campaign against sanctions on Iraq. "Sanctions on Iraq: background consequences, strategies". 13-14 November 1999. Cambridge. Available at: www.casi.org.uk/conf99/proceedings.pdf.

۳۶. در مورد پیامدهای اقتصادی تحریم‌های فراگیر بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به نوشته زیر مراجعه نمایید. محمد خضری، «تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران». *گزارش پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی*، دی ماه ۱۳۸۵.

37. Green, R.H. "Neoliberalism and the political economy of war: Sub-Saharan Africa as a case of Vacuum" in Colclough C. (ed), *States or Markets?*, Oxford: Oxford University Press, 1993.

۳۸. اصغر افتخاری، منفعت پنهان: بررسی تحلیلی محور رایزنی‌های دولت بوش برای حمله به ایران، گزارش پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
۳۹. ر.ک. به: امیرمحمد حاجی یوسفی. «دولت رانتیر و بی‌ثباتی در ایران». *فرهنگ اندیشه*، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۳، ص ۳۷ - ۱۱.
۴۰. در این مورد، به دیدگاه‌های مطرح شده از سوی نویسندگان مختلف مؤسسه آمریکایی واشنگتن انترپرایز از جمله پاتریک کلاوسن رجوع نمایید.
- Patrick Clawson, "Could sanctions work against Tehran?", *Middle East Quarterly*, Winter 2007. www.aei.org.
41. John H. Herz, "Idealist internationalism and security dilemma", *World Politics*, Vol. 2. 1950 p. 157 - 158. from Xin Benjian Security dilemma, balance of power." *Contemporary international relations*. September 2001. Available at: www.usco.gov.
42. Albert Bandura, *Social Learning Theory*, Ch. 31 available at: www.mhhe.com/socscience/comm/bandur-s.mhtml.
۴۳. وزارت صنایع و معادن، گزارش برنامه میان‌مدت اصلاحات اقتصادی ایران، استفاده از درآمدهای نفتی در راه گسترش اقتصادی، ص ۹. بی‌تا. در پایگاه اینترنتی زیر:
www.mim.gov.ir/report/2.usp
۴۴. محمدرضا تاجیک، «ایران در دهه چهارم: تهدیدها و تدبیرها»، *برداشت دوم*، سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۲.
۴۵. در مورد بحران‌های سیاسی ر.ک. به: لوسین پای و دیگران، *بحران‌ها و توالی‌های در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.